



A Phenomenological Study on the Decline of Childbearing Will among Women in Chalous County,(Document Type : Original Research Paper)

Seyyed Abdolrasoul Alam-Hohadi*¹ ; Mahsa Sadegh Kohestani²

1- Assistant Professor, Department of Thought and Cultural Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.
Email: ralamohloda@gmail.com

2- Master's Student, Strategic Management of Culture, Imam Hossein University, Tehran, Iran
Email: sadeghkohestanimahsa@gmail.com

Received: 10 December 2025; **Revised:** 04 June 2026; **Accepted:** 01 August 2026; **Published:** 21 August 2026

ABSTRACT

Purpose: Demographers claim that women's will is the most important element in increasing or decreasing childbearing in a society. Since the childbearing crisis has been seriously considered in Iran, the aim of this research is to obtain women's attitudes on how to weaken the will or reduce the desire to have children by studying Chalus County.

Methodology: A qualitative and descriptive phenomenological method was used, which depends on the knowledge derived from the lived experience of the actor. The research tool is a semi-structured interview with a purposive sampling method that continued until data saturation was reached, and finally 20 people were interviewed. The data were classified into 49 open codes, 15 organizing codes, and 4 comprehensive codes using thematic analysis.

Findings: It shows that there are four categories of women with a negative attitude towards childbearing: development-oriented women, individualistic women, insecure women, and negative women.

Research limitations: The results show that women's concerns about the uncertain future of their children in life, economic concerns created by family and society, fear of disrupting peace, well-being, and comfort in their personal lives as a form of responsibility avoidance, and the importance of being fit and slim as a form of physical health are the most important sensitivities they have in delaying or not having children.

Keywords: Lived experience, women's will, fertility decline, childbearing, phenomenology, fertility attitudes

Cite this Paper: Alam-Hohadi'A & Sadegh Kohestani'M. A Phenomenological Study on the Decline of Childbearing Will among Women in Chalous County. Governance of Population and Family, 2(6),87-106

©(2025) The Author, Governance of Population and Family Published by Imam Hossien University

This is an Open access article under the CC- BY 4.0 license.(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



واکاوی فرایند تضعیف اراده زنان شهرستان چالوس در فرزندآوری؛ یک مطالعه پدیدارشناسانه (مقاله پژوهشی با اصالت)

سیدعبدالرسول علم‌الهدی^{۱*}؛ مهسا صادق‌کوهستانی^۲

Email: ralamolhoda@gmail.com

۱- استادیار، گروه اندیشه و مطالعات فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

Email: sadeghkohestanimahsa@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت راهبردی فرهنگ، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۰۱ مهر ۱۴۰۴؛ تاریخ بازنگری: ۱۲ مهر ۱۴۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۴؛ تاریخ انتشار: ۳۰ مرداد ۱۴۰۵

چکیده

هدف: به ادعای جمعیت‌شناسان، اراده زنان، مهم‌ترین عنصر افزایش یا کاهش فرزندآوری در یک جامعه است. از آنجایی که در ایران بحران فرزندآوری بطور جدی مورد توجه قرار گرفته، هدف از این تحقیق دستیابی به نگرش‌های زنان در چگونگی تضعیف اراده یا کاهش تمایل به فرزندآوری با مطالعه شهرستان چالوس است.

روش پژوهش: روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی انجام گردید که وابسته به آگاهی برآمده از تجربه زیسته کنشگر است. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساخت یافته با روش نمونه‌گیری هدفمند است که تا رسیدن به اشباع داده‌ای ادامه پیدا کرد و نهایتاً ۲۰ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌ها با روش تحلیل مضمون در ۴۹ کد باز، ۱۵ کد سازمان دهنده و ۴ کد فراگیر قرار گرفت.

یافته‌ها: نشان می‌دهد چهار دسته از زنان با معیار نگرش منفی به فرزندآوری وجود دارد: زنان توسعه گرا، زنان فردگرا، زنان نامطمئن و زنان منفی گرا.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد نگرانی زنان از آینده مهم فرزندان در زندگی، نگرانی اقتصادی بر ساخت شده از خانواده و جامعه، ترس از برهم خوردن آرامش و رفاه و راحتی در زندگی شخصی با عنوان مسئولیت‌گریزی، اهمیت یافتن تناسب اندام و افتادگی بدن با عنوان سلامت جسمی مهمترین حساسیت‌های ایشان در به تأخیر انداختن یا عدم فرزندآوری است.

کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، اراده زنان، کاهش باروری، فرزندآوری، پدیدارشناسی، نگرش‌های باروری.

مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر تحولات جمعیت شناختی چشمگیری در جهان رخ داده است یکی از مهمترین این تغییرات، کاهش باروری و فرزندآوری و گرایش به آن در جهان است. به موازات این تحولات، ایران هم تغییرات گسترده‌ای را تجربه کرد به طوری که طی سه دهه گذشته میزان باروری و فرزندآوری در ایران به طرز حیرت انگیز کاهش یافته است (کبودی و همکاران، ۱۳۹۲). به گونه‌ای که شواهد و قرائن نشان می‌دهند آهنگ باروری و فرزندآوری در سطح کشور نسبت به دهه‌های قبل از آن کندتر شده و هر چند این روند جزئی از یک روند جهانی است و اختصاص به ایران ندارد، اما به هر حال سیاستگذاری رسمی کشور را در این سالها بویژه در برنامه پنجم توسعه (۹۴-۱۳۹۰) به سمت افزایش باروری سوق داده است. طی بیست سال گذشته، نرخ باروری در ایران به کمتر از سطح جایگزینی ۲٫۱ فرزند برای هرزن رسیده است و با وجود استحکام نهاد خانواده در کشور، شرایط اجتماعی و اقتصادی، تمایل زنان برای فرزندآوری را در مقایسه با یک نسل قبل کاهش داده و در نتیجه الگوی سه فرزندی و بیشتر که تا ۳۰ سال قبل در خانواده‌ها رایج بود را به الگوی دو فرزندی و حتی کمتر از آن در سالهای اخیر تغییر داده است.

با بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی بر سن ازدواج در استان‌های مختلف کشور در ارتباط با تاثیر عوامل اقتصادی بر ازدواج و فرزندآوری پژوهشی انجام شد و عوامل مختلفی بدست آمد که این عوامل عبارتند از بیکاری، تورم، رشد مخارج خانوار، سطح درآمد و تحصیلات است که متغیرهای تورم و بیکاری با افزایش خود موجب افزایش سن ازدواج مردان و زنان می‌شود. (التجایی و هکارش، ۱۳۹۵). ازدواج و فرزندآوری دو مسئله مهم و اساسی در زندگی انسانهاست است که تاثیر بسزایی بر زندگی فردی و حیات اجتماعی آنان دارد. ازدواج به عنوان یک مرحله مهم در زندگی فرصتی برای رشد و تکامل فردی و اجتماعی فراهم می‌کند. از طرفی فرزندآوری نقش بسیار مهمی در حفظ و تداوم نسل‌ها، تربیت نسل جوان و ارزش آموزی به فرزندان دارد از این رو نقش ازدواج و فرزندآوری در ایجاد ساختار و پایه‌های سالم برای جامعه پررنگ است و عوامل گوناگونی بر افزایش یا کاهش نرخ ازدواج و فرزندآوری اثر می‌گذارند که مهم ترین آنها عوامل اقتصادی است که این عوامل به سه عامل تورم، کاهش درآمدها و بیکاری مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که بیکاری برای مردان نقش اساسی در عدم تمایل به تشکیل خانواده دارد و تورم به ویژه در کالاهای اساسی و نیازهای اولیه مانند مسکن به همراه کاهش درآمدها رابطه مستقیم با عدم تمایل به ازدواج و به دنبال آن فرزندآوری دارد (صفایی و همکارش، ۱۴۰۴). رهبر شهید از جمله کسانی است که بارها دیدگاه انتقادی خود را در طول سالهای ۱۳۹۰ش تا امروز، در جمع نمایندگان مجلس، مسئولان نظام و عموم مردم مطرح نموده است و با سخنانی روشن و استوار نگاه خود را به بازنگری در سیاستهای مهار جمعیت و ضرورت برنامه ریزی برای رشد جمعیت معطوف داشته و فرموده اند: «خانواده‌ها و جوانها باید تولید مثل را زیاد کنند، باید نسل را افزایش دهند این محدود کردن تعداد فرزندان در خانه‌ها - به این شکلی که امروز هست - خطاست این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را اینها حل می‌کنند». (آیت الله خامنه ای، ۱۳ آذر ۱۳۹۲) و نیز تأکید فرموده اند: «افزایش نسل جزء مباحث مهمی است که واقعاً همه مسئولین کشور نه فقط مسئولین اداری، روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند باید در جامعه درباره آن فرهنگ‌سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه دو بچه - باید کشور را خارج کنند. مهم‌تر در اینجا اینکه ایشان با تمام وجود باور دارند که دشمنان اسلام در موضوع کاهش جمعیت مسلمانان ساکت و بیکار ننشسته اند بلکه از دهه‌های گذشته تا امروز برای مقابله با نظام اسلامی برنامه ریزی و اقدام عملی میکنند به این دلیل برای دشمنان ما بهترین چیز این است که ایران یک کشوری باشد با بیست - سی میلیون

جمعیت که نصف این جمعیت هم کهنسال و میانسال و از کارافتاده باشند. اگر برای این برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً می‌کنند. پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج می‌کنند. ما باید حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد.» (آیت الله خامنه‌ای، ۳ مرداد ۱۳۹۱)

بسیاری از تحقیقات به عوامل اقتصادی همچون بیکاری گسترده جوانان بویژه تحصیلکرده‌ها، اشتغالهای موقت، عدم امنیت شغلی و نا مطمئن بودن از آینده، پرداخته اند که در این سالها باعث تاخیر در ازدواج و بدنبال آن کاهش باروری و حتی تمایل به فرزندآوری شده‌اند. در دهه‌های اخیر با تغییرات عمده در شرایط اقتصادی مانند افزایش نرخ بیکاری، کاهش قدرت خرید، نوسانات شدید قیمت مسکن و افزایش هزینه‌های زندگی، بسیاری از جوانان با موانع جدی در مسیر تشکیل خانواده مواجه شده‌اند و افزایش ناپایداری‌های اقتصادی و ناامنی مالی جوانان را به تاخیر در این تصمیم‌ها سوق داده است که این امر نه تنها منجر به کاهش نرخ ازدواج و فرزندآوری می‌شود بلکه پیامدهای اجتماعی و جمعیتی هم به همراه دارد (علیرضا بخشایش و همکارانش، ۱۴۰۴). عوامل موثر بر کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری در میان جوانان مسئله‌ای که در سال‌های اخیر به یکی از نگرانی‌های مهم اجتماعی و جمعیتی تبدیل شده است که تحت تاثیر عواملی چون مشکلات اقتصادی، گسترش سبک زندگی غربی، کاهش باورهای دینی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب و رشد شهر نشینی باعث کاهش رغبت به ازدواج در میان جوانان شده، همچنین افزایش گرایش زنان به تحصیلات عالی و استقلال اقتصادی، چالش‌های خانوادگی و نگرانی والدین درباره آینده شغلی فرزندان از عوامل بازدارنده فرزندآوری شناخته شد (حاجی حسنی و همکاران، ۱۴۰۴). این عوامل به طور معمول به مرد برمی‌گردد و بر ساخت آن در خانواده و توسط زن بیان می‌شود، درحالی‌که عوامل کاهش اراده زنان به فرزندآوری تحت خواسته‌ها و نیازهای ایشان چیز دیگری می‌تواند باشد. سیاستهای رسمی جمعیت در سال ۱۴۰۰ ناظر به همان عوامل اقتصادی بود درحالی‌که هنوز با روند کاهشی رشد فرزندآوری مواجهیم. ناگفته پیداست که سیاست‌ها می‌بایست به گونه‌ای تنظیم شوند که با منافع خانواده‌ها به ویژه خواسته‌های زنان همسو باشند زیرا در صورت ناهمسویی و تقابل با منافع زنان و خانواده‌هایشان این سیاستها با مقاومت روبرو شده و نهایتاً راه به جایی نخواهند برد.

مطالعه ذی‌نفعان سیاست جمعیتی یعنی زوجین جوان می‌تواند جهت‌گیری سیاست‌ها را اصلاح کند، خصوصاً توجه به زنان به‌عنوان نقش‌آفرینان اصلی مادری در خانواده که بار مسئولیت سنگین‌تری نسبت به مرد در فرزندآوری دارد می‌تواند فهم از عوامل را دقیق‌تر کند. بنابراین مطالعه پدیدارشناختی زنان نسبت به اراده به فرزندآوری که آگاهی برآمده از تجربه زیسته ایشان را می‌شکافد، مشخص می‌کند که کاهش اراده ایشان نسبت به چه عواملی رخ داده، یا چه فرآیندی در تضعیف اراده ایشان موثر بوده. از این چشم‌انداز پژوهش حاضر بدنبال بررسی نگرش‌های مؤثر بر کاهش تمایل به فرزندآوری در میان زنان شهر چالوس است.

چارچوب مفهومی: نظریه گذار جمعیتی و تغییر ارزش‌ها

مسئله کاهش نرخ باروری و سالمندی جمعیت در ایران، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های اجتماعی و اقتصادی دهه‌های اخیر است. ایران طی سه دهه گذشته، یکی از سریع‌ترین کاهش‌های نرخ باروری کل (TFR) را در جهان تجربه کرده و از نرخ بیش از ۶ فرزند برای هر زن در دهه ۱۳۶۰ به زیر سطح جانشینی (حدود ۱٫۷ فرزند) در سال‌های اخیر رسیده است (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۴۰۲). این پدیده را می‌توان از منظر نظریه گذار جمعیتی به عنوان یک تغییر ساختاری و از دیدگاه نظریه اینگلههارت به عنوان یک تحول پارادایمیک در نظام ارزشی جامعه ایران تحلیل کرد.

نظریه گذار جمعیتی^۱ بیان می‌کند که جوامع در فرآیند مدرن‌سازی، از یک رژیم جمعیتی با مرگ‌ومیر و باروری بالا به رژیمی با مرگ‌ومیر و باروری پایین حرکت می‌کنند (نوتستاین، ۱۹۴۵). ایران با موفقیت مراحل اولیه این گذار را پشت سر گذاشته و نرخ امید به زندگی بشدت افزایش یافته است. در این مرحله، بهبود شاخص‌های بهداشتی و کاهش مرگ‌ومیر کودکان، نیاز بیولوژیک و اقتصادی به فرزندآوری زیاد را از بین برده است. بر اساس این نظریه، صنعتی‌شدن و شهرنشینی باعث شده است که فرزندان از «دارایی تولیدی» به «هزینه مصرفی» تبدیل شوند، که این خود انگیزه‌های اقتصادی برای تشکیل خانواده‌های پرجمعیت را تضعیف می‌کند.

علاوه بر گذار کلاسیک، ایران وارد فاز «دومین گذار جمعیتی» شده است که در آن متغیرهای فرهنگی و فردگرایی نقش محوری ایفا می‌کنند (لستاگه، ۲۰۱۰). در این مرحله، تغییر در سبک زندگی، افزایش سن ازدواج و اولویت یافتن اهداف فردی بر تکالیف سنتی، منجر به کاهش تمایل به فرزندآوری می‌شود. در ایران، گسترش آموزش عالی به‌ویژه میان زنان و تغییر در ساختار فرصت‌های اجتماعی، باعث شده است که توازن میان نقش‌های خانوادگی و فعالیت‌های اجتماعی دشوار گردد، که این امر مستقیماً بر تصمیمات باروری تاثیر گذاشته است (مکدونالد، ۲۰۰۰).

در تکمیل این نگاه ساختاری، نظریه تغییر ارزش‌های رونالد اینگلهارت^۲ تبیین می‌کند که با بهبود امنیت اقتصادی و جانی، جوامع از «ارزش‌های بقا» به سمت «ارزش‌های خودشکوفایی» یا فرامادی‌گرایی حرکت می‌کنند (اینگلهارت، ۱۹۹۷). در جامعه ایران، علیرغم نوسانات اقتصادی، نسل‌های جدید به‌واسطه دسترسی به رسانه‌ها و آموزش، بیش از پیش به کیفیت زندگی، آزادی‌های فردی و توسعه شخصی اهمیت می‌دهند. این تغییر ارزش‌ها باعث می‌شود که فرزندآوری دیگر نه به عنوان یک ضرورت اجتماعی یا مذهبی، بلکه به عنوان یک «انتخاب شخصی» نگریسته شود که باید با سایر اهداف زندگی مانند پیشرفت شغلی و تفریح همخوانی داشته باشد.

اینگلهارت معتقد است که گذار از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار-عقلانی، اقتدارهای نهادی را تضعیف می‌کند (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵). در ایران، این تحول ارزشی باعث شده است که الگوهای سنتی خانواده‌محور جای خود را به الگوهای نوین و هسته‌ای بدهند. کاهش نفوذ هنجارهای سنتی که بر تعدد فرزندان تاکید داشتند، در کنار افزایش استقلال زنان، فضایی را ایجاد کرده است که در آن «پدیده بی‌فرزندگی» یا «تک‌فرزندگی» به یک هنجار پذیرفته‌شده در طبقات متوسط و تحصیل‌کرده تبدیل شده است.

با این حال، چالش ایران در این است که این تغییر ارزش‌ها در بستری از بی‌ثباتی اقتصادی رخ می‌دهد. طبق دیدگاه اینگلهارت، در شرایط عدم امنیت اقتصادی، افراد باید به ارزش‌های بقا بازگردند؛ اما در ایران نوعی «تاخیر فرهنگی» مشاهده می‌شود. به این معنا که هزینه‌های بالای زندگی و تورم، همسو با ارزش‌های خودشکوفایی، مانع از فرزندآوری می‌شوند؛ زیرا والدین ترجیح می‌دهند منابع محدود خود را صرف «کیفیت» زندگی یک فرزند کنند تا اینکه باروری بالایی داشته باشند (آدبی سده و همکاران، ۲۰۲۰). این رویکرد، تضاد عمیقی میان سیاست‌های تشویقی دولت و واقعیت‌های زیستی مردم ایجاد کرده است.

تلفیق این دو نظریه نشان می‌دهد که کاهش فرزندآوری در ایران صرفاً یک پدیده اقتصادی نیست، بلکه پیامد منطقی مدرن‌سازی ساختاری و دگرگونی در جهان‌بینی شهروندان است. زمانی که خودپیروی فردی و استقلال مالی به ارزش‌های برتر تبدیل شوند، مدل‌های سنتی خانواده کارکرد خود را از دست می‌دهند. بنابراین، چالش جمعیتی ایران تنها با مشوق‌های

مالی کوتاه‌مدت قابل حل نیست، زیرا ریشه‌های این رفتار در تغییرات عمیق نگرشی نسبت به مفهوم «زندگی خوب» و «سعادت فردی» نهفته است (نوتستاین، ۱۹۴۵؛ اینگلهارت، ۱۹۹۷).

پیشینه تحقیق

الف. مطالعات جمعیت‌شناسی و فرزندآوری

بگی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تمایل به بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی در میان زوجین تازه ازدواج کرده در ایران» نشان داد ۲۱ درصد افراد قصد بی‌فرزندگی و ۱۶٫۹ درصد افراد تمایل به تک‌فرزندگی دارند. به علاوه مهمترین دلایل تمایل به بی‌فرزندگی، هزینه‌های اقتصادی و عدم علاقه والدین به فرزندان عنوان شده است، البته عوامل تاثیرگذار دیگری نظیر تحصیلات، میزان شرکت در مراسمات مذهبی، وضعیت اشتغال، مذهب و قومیت در تمایل زوجین به کم‌فرزندگی بررسی شده است.

سلیمانی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «مسئله فرزندآوری و افزایش جمعیت و تاثیر آن بر این کشور» نشان داد که افزایش جمعیت و فرزندآوری یکی از امور ضروری و مهم در کشور خصوصاً در زمان حاضر می‌باشد و بی‌تفاوتی نسبت به این موضوع خطرات جبران‌ناپذیری را برای کشور در آینده نزدیک در پی دارد. اگر جمعیت رو به افزایش نهاد، بی‌شک کشور در آینده از نظر نظامی، دفاعی و اقتصادی و... وضعیت ایده‌آلی خواهد داشت، زیرا نیروی جوان و جمعیت زیاد مشکلات و خطرات ناشی از زمینه‌های بیگانگان را با توان و قدرت خود دفع خواهد کرد.

نیازی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران» نشان دادند که متغیرهای جمعیت‌شناختی مربوط به سن، تحصیلات، به ویژه تحصیلات زنان، بعد خانواده، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، راهبردها و مسائل تنظیم خانواده و جلوگیری از باروری به ترتیب با بیشترین تعداد آزمون مورد توجه پژوهشگران ایرانی در تبیین نرخ باروری بودند.

میر محمد صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان عوامل اجتماعی - اقتصادی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر باروری در مناطق روستایی شهرستان نجف‌آباد» نشان دادند که در برخی سنین، طول دوره ی ازدواج، تعداد مرگ و میر فرزندان، تعداد سقط جنین و وسعت اراضی قابل استفاده روستا تاثیر مثبت بر باروری دارد، در صورتی که سن زن در اولین زایمان، فواصل زایمان، سطح تحصیلات زن و شوهر و دارا بودن بیمه تاثیر منفی بر باروری دارند.

ب. مطالعات الهیات و مبانی دینی حوزه جمعیت‌شناسی و فرزندآوری

بردستانی (۱۴۰۰) در تحقیقش با عنوان «نقش فرزندآوری و فرزندپروری در افزایش کیفیت زندگی از منظر آیات و روایات» نشان داد که فرزندآوری و فرزند پروری، موجب بالارفتن کیفی زندگی مادی و معنوی و افزایش اقتدار خانواده و جامعه است و فرزندان صالح نه تنها در پیشامدهای روزگار یاریگر و تسهیل‌کننده مشکلات و به دلیل پاکی و رفتار نیکو روشنی چشم خانواده و موجب عزت و شادکامی هستند؛ بلکه اجر اخروی آن سرمایه مهم معنوی و صدقه جاریه برای والدین است و به دلیل برخورداری از سهم الرزق در نزد خدای رازق، وسعت دهنده رزق خانواده و جامعه و تداوم گر فرهنگ حیات بخش و باکیفیت توحیدی از نسلی به نسلهای آینده هستند.

شمس و همکارش (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست‌های مسلمان و فمینیست‌های غربی در فرزندآوری» نشان دادند که فمینیست‌های غربی اساساً با تشکیل خانواده مخالف بوده، دنبال ترویج عدم فرزندآوری هستند؛ در حالی که فمینیست‌های مسلمان به تشکیل خانواده نظری مثبت داشته، با آوردن فرزند مخالفتی ندارند، ولی

دیدگاهشان در چگونگی فرزندداری با آموزه‌های اصیل قرآن فاصله دارد. برداشت فمینیستهای مسلمان از قرآن کریم در مقایسه با آراء تفسیری مفسران، به دو بخش قابل تقسیم است؛ اگر آیات قرآن اهداف آنان را تأمین کند همسو با مفسران هستند، وگرنه با اصل قرار دادن پیش فرضهای فمینیستی خود برداشتهای غیر روشمندی از قرآن دارند.

آرام و همکارش (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «افزایش و کاهش جمعیت بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث» نشان دادند که مهمترین علل افزایش یا کاهش نسل به علل فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی طبقه بندی می‌شود. ازدواج به هنگام، احسان به والدین، استقلال اقتصادی فرزندان، گرایش‌های دینی و مذهبی، صله رحم و سیاستگذاریهای تقویتی و تکمیلی هم راستا با تکثیر نسل، مهمترین عوامل ازدیاد نسل در جامعه از منظر آیات، روایات و احادیث هستند. کاهش ازدواج یا افزایش سن آن، شیوع حقوق والدین، وابستگی اقتصادی فرزندان، کم‌رنگ شدن اعتقادات دینی در باب فرزندآوری، قطع رحم و سیاستگذاریهای همسو با زندگی مجردی از مهمترین عوامل کاهش یا انقطاع نسل از منظر قرآن و حدیث هستند در نتیجه بیش از آنکه عوامل سیاسی را در افزایش یا کاهش جمعیت اثرگذار باشند، عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در این مسئله اثر گذار هستند.

ج. مطالعات پیمایشی فرزندآوری

حیدری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه شناختی تاثیر نوسازی اجتماعی بر گرایش زنان به تک فرزندی زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر تهران» نشان دادند که گرایش به تک فرزندی با فردگرایی، میزان عقلانیت، مشارکت اجتماعی، برابری جنسیتی و سن ازدواج رابطه معناداری دارد، ولی با وضعیت اقتصادی خانواده همبستگی معناداری ندارد. همچنین میزان گرایش به تک فرزندی در بین گروه‌های مختلف از نظر وضعیت اشتغال، تفاوت معناداری دارد و در مشاغل رده بالا این گرایش بیشتر است، در نهایت میزان تحصیلات در گرایش زنان به تک فرزندی تاثیر دارد و بالا رفتن سطح تحصیلات، گرایش زنان به تک فرزندی افزایش می‌یابد.

محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان» نشان دادند که نگرش منفی پاسخ گویان نسبت به آینده، فردگرایی، منفعت طلبی، خردگرایی و رضایتمندی زناشویی به طور مستقیم و میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به طور غیر مستقیم ترجیح باروری زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

کلانتری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن در شهر تبریز» نشان دادند که بین گرایش به فرزندآوری و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معنادار مثبت وجود داشت و بین گرایش به فرزندآوری و پذیرش اجتماعی رابطه خطی معناداری احتساب نشد. بین گرایش به فرزندآوری و گرایش دینی همبستگی معناداری مشاهده گردید. یعنی افرادی که دارای گرایش دینی بالایی بودند علاقه مندی بیشتری به فرزندآوری داشتند و بین گرایش به فرزندآوری و منافع اقتصادی رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچه پدر والدین بیشتر به دنبال منافع اقتصادی خود بودند به همان میزان از گرایش آنها به فرزندآوری کاسته می‌شد.

عنایت و پرنیان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری» نشان دادند که تقریباً ۲۹ درصد زنان دارای گرایش به فرزندآوری می‌باشند. بر اساس آزمون همبستگی نیز بین تمامی مؤلفه‌های جهانی شدن فرهنگی شامل: فناوری نوین داده‌ای و ارتباطاتی، نگرش نقش جنسیتی، آگاهی از وسایل پیشگیری از بارداری، استفاده از موبایل و مشتقات آن و فرد گرایی، ارتباط معنی دار و منفی با متغیر گرایش به فرزندآوری وجود دارد. همچنین

چهار متغیر، فناوری نوین داده‌ای و ارتباطاتی، فرد گرایی، نگرش نقش جنسیتی و استفاده از موبایل و مشتقات آن در مجموع توانسته اند ۲۶/۳ درصد از تغییرات متغیر گرایش به فرزندآوری را تبیین کنند.

جمع بندی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که عامل اراده به فرزندآوری تحت تأثیر عواملی همچون رفاه طلبی، فردگرایی و رشد اجتماعی که مولفه‌های جهانی شدن و ترویج فرهنگ غرب در زندگی ایرانی است قرار دارد، اما چگونگی تفسیر این عوامل در جریان زندگی زن به عنوان عنصر اصلی اراده به فرزندآوری که جریان زندگی او را با نقش مادری بیش از مرد با نقش پدری تحت تأثیر قرار می‌دهد تحلیل نشده است. خصوصاً روش پدیدارشناسی با ورود به تجربه زیسته و آگاهی‌های برآمد از کنش‌های اجتماعی و مسائل فردی زندگی زن چه در طول مجرد و چه در دوران تأهل، بیش از روش‌های تحقیق دیگر نگرش‌های بر ساخته از عوامل اجتماعی را کندوکاو می‌کند.

روش تحقیق

این تحقیق که در سنت پژوهش کیفی قرار دارد، با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام می‌شود. بیشتر مطالعات کیفی بر این عقیده استوار است که به دست آوردن دانش درباره‌ی انسان‌ها امکان پذیر نیست، مگر از طریق توصیف تجربه‌ی انسانی به همان صورتی که توسط افراد تجربه کننده توصیف می‌شود. پدیدارشناسی به دنبال روشن ساختن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه شده و توصیف دقیق آن از طریق تجزیه و تحلیل تجارب زندگی شرکت کنندگان است (گولدینگ^۱، ۲۰۰۵). افراد، عمل یا تجربه و احساس خود را برای پژوهشگر بیان می‌کردند، آنگاه پژوهشگر، گفته‌های مطرح شده آنها را تفسیر می‌کرد. این شیوه پژوهشی می‌تواند اطلاعاتی درباره تجربه‌ها و دیدگاه‌های جامعه مورد پژوهش در اختیار پژوهشگران قرار دهد که در پژوهش حاضر این امر با بررسی دلایل راهبردی زنان در کاهش اراده به فرزندآوری یا تأخیر انداختن آن حاصل شد. در پژوهش حاضر برای انتخاب افراد روش نمونه گیری هدفمند با توجه به متغیرهایی همچون سن ازدواج، طبقه اقتصادی و اجتماعی، تحصیلات استفاده شده است. در فرآیند پژوهش به علت عمق مصاحبه‌ها و وسعت تحلیل آنها به نمونه‌های کوچک نیاز است (هالوی و ویلر، ۲۰۰۲)، بنابراین فرایند مصاحبه تا جایی ادامه پیدا کرد که فهم روشن‌تری از تجربه در صحبت‌های بعدی با مشارکت کنندگان به دست نیامد و با ۲۰ مشارکت کننده به اشباع رسید.

در گام اول برای فهم نگرش‌های مؤثر بر عدم تمایل به فرزندآوری در میان زنان با گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و ادبیات تحقیق به تحلیل این موضوع پرداخته شد تا مصاحبه‌ها با داشته‌های پیشین محقق دقیق تر شود. سپس برای دریافت از آگاهی برآمده از تجارب زیسته کنشگر به مصاحبه نیمه ساخت یافته با ۲۰ نفر از زنان ساکن شهر چالوس پرداختیم. برای تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون^۲ استفاده شده است. مضمون^۳، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداقل به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (boyatzis, 1998: 4). تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی و از جمله پدیدارشناسی توصیفی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و متنوع مورد تجزیه قرار گرفته و به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌شود (عابدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). این قسمت از تحقیق از طریق کدگذاری، تحلیل کلی و تحلیل کیفی صورت می‌گیرد. فرآیند تحلیل مضمون در این تحقیق در طی پنج مرحله به سرانجام می‌رسد ۱- مطالعه محتوای مصاحبه‌ها، ۲- کدگذاری اولیه ۳- جستجو و شناخت مضامین، ۴- ترسیم شبکه مضامین (گونه‌شناسی)، ۵- تدوین.

1. Goulding
2. Thematic Analysis
3. Theme

در پژوهش حاضر نیز سعی بر آن خواهد بود که پس از تجزیه و تفکیک داده‌ها به مفاهیم و مقولات انتزاعی رسیده و با درک شباهت‌ها و تفاوت‌ها در هر یک از مقولات مورد بررسی، ارتباطات بین آنها را کشف کرده و بر اساس آن بار دیگر مفاهیم را به هم متصل نموده و ترکیبی تازه پدید آوریم؛ و به این ترتیب درک کنشگران را از تأخیر در فرزندآوری و عوامل آن فهم کرده و تدوین کنیم. بدین ترتیب دویست کد اولیه تحلیل شد و به ۴۹ مضمون پایه، ۱۵ مضمون سازمان دهنده و ۶ مضمون فراگیر رسیدیم. در آخر، مفهوم نگرش‌های مؤثر در عدم تمایل به فرزندآوری در نگاه کنشگر اصلی یعنی زن، صورت بندی شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به سوالات مصاحبه و هدف گیری پژوهش در شناسایی نگرش‌های مؤثر بر کاهش تمایل به فرزندآوری در میان زنان شهر چالوس، تحلیل مضمون مصاحبه‌ها در ۴ مضمون فراگیر انجام گرفت. هر مضمون فراگیر شامل مضامین سازمان دهنده و هر مضمون سازمان دهنده شامل مضامین پایه است که این شبکه مضامین همراه با تحلیل و تفسیر همه وجوه آشکار و پنهان نگرش زنان شهر چالوس از پدیده مورد نظر را مشخص می‌کند. در تحلیل مصاحبه‌ها سعی شد تا میان مفاهیم همسو و مفاهیم مغایر تمایز داده شود و داده‌های غیر مرتبط حذف شد. برای این کار ابتدا کل مصاحبه‌ها کدگذاری شد و در مرحله دوم به صورت هدفمند بازخوانی شد و در مرحله سوم بار دیگر داده‌ها مقایسه شد تا در نهایت همه داده‌ها، چه داده‌های اجماعی و چه داده‌های خاص، در ربطی مشخص نسبت به هم قرار گرفت و شبکه مضامین را به وجود آورد.

لیست نمونه‌های مورد مصاحبه

شماره	مدت زمان تأهل	سن	تعداد فرزند	تحصیلات	طبقه اقتصادی
۱	۱ سال	۲۷	۰	لیسانس	خوب
۲	۱ سال	۲۷	۰	لیسانس	متوسط
۳	۵ سال	۲۹	۰	لیسانس	خیلی بالا
۴	۵ سال	۲۷	۰	لیسانس	متوسط
۵	۳ سال	۲۹	۱	لیسانس	متوسط
۶	۲ سال	۲۹	۱	لیسانس	متوسط
۷	۱ سال	۲۷	۱	لیسانس	متوسط
۸	۳ سال	۳۲	۱	فوق لیسانس	متوسط
۹	۸ سال	۳۲	۱	لیسانس	متوسط
۱۰	۱۲ سال	۳۷	۱	دیپلم	متوسط
۱۱	۱۱ سال	۳۴	۱	لیسانس	متوسط
۱۲	۱۰ سال	۲۸	۱	لیسانس	متوسط
۱۳	۵ سال	۳۷	۱	لیسانس	متوسط
۱۴	۱۶ سال	۴۰	۱	سیکل	متوسط
۱۵	۸ سال	۳۲	۱	لیسانس	متوسط
۱۶	۱۳ سال	۴۰	۲	دیپلم	متوسط
۱۷	۱۰ سال	۲۶	۲	دیپلم	متوسط
۱۸	۷ سال	۳۸	۲	دیپلم	متوسط
۱۹	۷ سال	۳۸	۲	دیپلم	متوسط
۲۰	۳ سال	۲۷	۰	فوق لیسانس	متوسط

تحلیل یافته‌ها

از آنجایی که تحلیل مضمون بصورت درختی در نسبت بین سه مقوله کدگذاری شده است، در جدول زیر آخرین نسبت کدهای باز، سازمان دهنده با فراگیر آمده است.

جدول ۱: شبکه تحلیل مضامین از مصاحبه‌ها

کد فراگیر	کد سازمان دهنده	کد باز
عوامل ارادی زن در عدم فرزندآوری یا تأخیر در آن	تعارض اولویت‌های زن در زندگی با فرزندآوری	اولویت داشتن رفع نیازهای اقتصادی اولیه نسبت به بچه دار شدن
		اولویت داشتن آمادگی روحی و روانی برای بچه دار شدن
		اولویت داشتن رفع نیازهای رفاهی نسبت به بچه دار شدن
		احساس عدم آمادگی سنی زن برای مادر شدن
		نیاز به تفریحات و مسافرت در سنین جوانی
		آرزوی زندگی بهتر با برنامه ریزی برای مهاجرت از کشور
		استراحت کردن و رهایی از قیدها در تعارض با بچه داری
		بچه داری به عنوان مانعی در پیشرفت و لذت بردن از زندگی و تفریح زن
	چالش‌های عدم شکل گیری واحد مستقل خانواده برای زن در تعارض با فرزندآوری	اراده برای به تأخیر انداختن فرزندآوری در میان زنان بخاطر ازدواج در سن پایین
		طولانی شدن دوران عقد و نامزدی برای زوجین جوان
		ناهنجاری عرفی از فرزندآوری در دوران عقد برای زوجین جوان
		بخصوص زن
	عوامل دستیابی به آمادگی برای والدگری	شناخت کافی زن و شوهر از یکدیگر قبل از والدگری
		زن و شوهر پس از ازدواج تا فرزندآوری، فرصت کافی برای رشد با هم داشته باشند
		مادر و پدر قدرت کافی برای رشد و تربیت فرزند را پیدا کنند
	نگرش‌ها در مورد سختی‌های مادر شدن	بی تجربه بودن مادر در اولین فرزندآوری
		سختی مسئولیت مادر شدن در ذهنیت زنان
		نگرانی از مراقبت‌های کامل و دلواپسی برای بچه در اولین فرزندآوری
		شب بی خوابی‌ها و مراقبت‌های شبانه در عین بی تجربگی
عوامل غیرارادی زن در عدم فرزندآوری	بحران‌های اقتصادی کشور در برهم خوردن اراده زوجین برای فرزندآوری	بالارفتن هزینه‌های درمان باروری
		شوک‌های ارزی و تورم‌های سنگین کشور
		بالارفتن غیرعادی قیمت مسکن
	عوامل بحران ناباروری زن	افزایش بحران ناباروری برای زنان بخاطر مصرف داروهای ضدباروری
		افزایش بحران ناباروری برای زنان بخاطر جلوگیری از باروری
	برساخت ذهنیت‌های اجتماعی برای زن نسبت به فرزندآوری	سخت بودن بچه داری از نگاه جامعه برای زن
		ذهنیت وجود بدبختی فرزند در تداوم بدبختی والدین
		تعارض دوست داشتن بچه دار شدن با تعداد زیاد در نسبت با تحمل

کد باز	کد سازمان دهنده	کد فراگیر
شرایط سخت معیشتی		
تصمیم والدین در لذت بردن از زندگی در تعارض با سختی‌های دوران کودکی خود		
ترس از آینده بچه داری برای خود والدین		
عدم پذیرش والدین از سختی کشیدن فرزندشان همچون دوران کودکی خودشان		
ابهام از آینده زندگی فرزند در وضعیت کنونی کشور		
نگرانی از امکان تربیت دینی برای فرزند		
حضور مادر بزرگ به عنوان تسهیل گر بچه داری در زندگی زنان شاغل و محصل		
وجود خانواده گسترده برای حمایت از زن در بچه داری		
وجود نزدیکی خانه‌های خانوادگی در مسکن شهری برای حمایت از نقش مادری زنان جوان		
زن، احساس حامی بودن نسبت به شوهر داشته باشد رابطه محکم زوجین نسبت به یکدیگر احساس تعلق خاطر کامل شوهر نسبت به همسر از سوی زن رفتار مهربانانه شوهر با همسر احساس اهمیت زن در نگاه شوهر	عوامل اجتماعی تسهیل گر فرزندآوری برای زن	عوامل اجتماعی تسهیل گر فرزندآوری برای زن
وجود کار ثابت و بازنشستگی و بیمه خدمات درمانی برای شوهر وجود مسکن مشخص برای خانواده وجود درآمد کافی برای خانواده	عوامل اقتصادی و معیشتی	
آرامش زن، مقدمه لازم در اراده به مادر شدن آمادگی عاطفی و فکری زن برای پذیرش مسئولیت مادری خودآگاهی زن به رشد روحی و روانی شخصی در مادر شدن	عوامل فردی	
فرزندآوری برای رشد اقتصادی و اجتماعی کشور در آینده توجه به فواید فرزندآوری برای جامعه مهمتر از توجه به زندگی فردی		
فرزندآوری برای حفظ جوانی جمعیت		
فرزندآوری برای وجود نیروی کار در آینده		

الف. عوامل ارادی زن در عدم فرزندآوری یا تأخیر در آن

تعارض اولویت‌های والدین در زندگی با فرزندآوری

زنان با برساخت‌های اجتماعی از زندگی زوجین تصمیم به فرزندآوری می‌گیرند و این برساخت‌ها در جامعه امروز ایران با عنوان رفاه، اقتصاد خوب، برخورداری از لوازم زندگی افزایش پیدا کرده و طبق انتظارات، تعریف جدیدی هم گرفته است. نفر ۱: «ما شرایطش رو نداریم بچه بزرگ کنیم تو این جامعه، خودمون سختی میکشیم، پس یکی دیگه رو نیاریم در کنار خودمون بدبخت نکنیم، یعنی به صورت عامیانه همه همین رو میگن، ولی به نظر من این که در درجه اول اون زمینه برای رفاه، برای فرزند فراهم بشه و یقیناً پشت بندش همه دوست دارن برای تشکیل خانواده». نفر ۹: «تو این دوره و نمونه همون

بحث اقتصاد و فراهم کردن امکانات مورد نیاز بچه مدنظر والدین هستش چون واقعا همیشه این عامل نادیده گرفت، وقتی پول باشه همه چی مهیا باشه خب والدین هم میتونن نیازهای خودشون و بچه رو تأمین کنن و حالشون خوبه دیگه». به عبارت دیگر دستیابی به ثروت و رفاه اهمیت رتبی نسبت به فرزندآوری پیدا کرده است.

کدهای پایه در این بخش، همگی نشان می‌دهند که زنان مصاحبه‌شونده، فرزندآوری را صرفاً یک امر طبیعی و خودبه‌خودی نمی‌بینند، بلکه آن را پروژه‌ای بزرگ، پرهزینه و محدودکننده در زندگی شخصی خود تلقی می‌کنند. در گذشته، مادری اغلب بخشی طبیعی از مسیر زندگی زن تلقی می‌شد، اما در داده‌های شما، مادری به امری نیازمند برنامه‌ریزی، آمادگی روانی، امنیت اقتصادی و سبک زندگی مناسب تبدیل شده است. زن پیش از مادر شدن از خود می‌پرسد: آیا از نظر روحی آماده‌ام؟ آیا هنوز فرصت زندگی جوانی داشته‌ام؟ آیا می‌توانم از تفریح، سفر و رشد شخصی صرف‌نظر کنم؟ آیا بچه‌دار شدن مانع آینده بهتر من می‌شود؟ آیا ابتدا باید مهاجرت، شغل، رفاه یا ثبات زندگی را سامان دهم؟ این نشان‌دهنده افزایش فردیت زنانه و اهمیت‌یافتن «خود زن» در تصمیم‌گیری باروری است.

چالش شکل‌گیری واحد مستقل خانواده در تعارض با فرزندآوری

طولانی شدن دوران عقد برای زوجین جوان و ناهنجاری‌های عرفی از فرزندآوری زوجین به خصوص زن در عقد و ازدواج زنان در سن پایین از عواملی است که می‌تواند در تعارض با فرزندآوری باشد. نفر ۲: «یکی از دلایلی که بچه دار نمیشن خیلیا برای اینکه سنشون کمه ازدواج می‌کنند و دوست دارن به یه سنی برسن که بتونن مسئولیت و آینده بچه رو قبول کنن». به نوعی سن پایین دختر بهانه‌ای برای بزرگ شدن خود اوست نه تجربه مادری؛ از این جهت سن پایین ازدواج مسئله اصلی نیست، بلکه بزرگ شدن دختر تازه ازدواج کرده برای مهارت‌های مادری و مسئولیت‌پذیری مسئله مورد توجه است.

صرف ازدواج، برای زنان به معنای آمادگی برای فرزندآوری نیست. زن نیاز دارد ابتدا خانواده مستقل شکل بگیرد؛ یعنی خانه، رابطه پایدار، استقلال از خانواده‌ها و وضعیت روشن زندگی زناشویی ایجاد شود. در جامعه‌ای که گاه ازدواج در سن پایین رخ می‌دهد یا دوران عقد طولانی می‌شود، زن ممکن است از نظر حقوقی و عرفی «متأهل» باشد، اما از نظر تجربه زیسته هنوز خود را در موقعیت مادر شدن نبیند. این مسئله نشان می‌دهد که میان «ازدواج رسمی» و «آمادگی اجتماعی و حتی شخصی برای والدگری» فاصله وجود دارد.

دستیابی به آمادگی برای والدگری

دستیابی به آمادگی برای والدگری یک فرآیند پیچیده و چندوجهی است که نیازمند توجه به عوامل مختلفی است. این آمادگی شامل ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود و به زوجین کمک می‌کند تا با اطمینان و آمادگی بیشتری به استقبال نقش والدینی خود بروند. فکر کردن به این عوامل سبب اراده به تأخیر انداختن فرزندآوری می‌شود. یکی از این عوامل آشنایی زوجین به یکدیگر و ترس از طلاق عنوان می‌شود. نفر ۳: «حداقل ۵ سال بعد ازدواج باید بچه دار بشن چون زن و شوهر همدیگر بهتر بشناسن، آمادگی خود مادر و همسرش و مهم تر از همه شرایط فرهنگی و روحی خانواده آنقدر بالا باشه از همه نظر و بتونم اون بچه رو به رشد حالی برسونم». در اینجا فرزندآوری وابسته به کیفیت رابطه زوجین هم می‌شود. زنان نمی‌خواهند فرزند را در رابطه‌ای ناپخته یا ناپایدار وارد کنند. این نگاه نشان‌دهنده افزایش مسئولیت‌پذیری نسبت به فرزند است. یعنی زن تنها به «داشتن بچه» فکر نمی‌کند، بلکه به کیفیت والدگری، تربیت، ثبات رابطه و پیامدهای روانی تولد فرزند نیز می‌اندیشد.

عامل دیگر مهارت‌ها و آمادگی‌های تربیت کردن و جامعه‌پذیری یک انسان از سوی زوجین عنوان می‌شود. نفر ۱۰: «حدوداً به نظرم ۴، ۵ سال باید بگذره، بعد به تفاهم برسن زن و شوهر که بخوان بچه دار بشن و مسئولیت بچه رو داشته باشن، بتونن یه بچه رو باید چه جوری بگم، با تربیت درست راهی جامعه کنن، در غیر این صورت به نظر من بچه دار نشدن سنگین ترن، زن و شوهر باید به تفاهم برسن که بتونن بچه دار بشن».

ب. عوامل غیر ارادی زن در عدم فرزندآوری

بحران‌های اقتصادی کشور در برهم خوردن اراده زوجین برای فرزندآوری

بحران‌های اقتصادی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر تصمیمات زوجین برای فرزندآوری داشته باشند و به طور کلی اراده آنها را در این زمینه تحت تأثیر قرار دهند. افزایش هزینه‌های مسکن، غذا، پوشاک و تحصیل، زوجین را با چالش‌های مالی جدی مواجه می‌کند و آنها را از تصمیم‌گیری برای فرزندآوری باز می‌دارد. تورم بالا و کاهش قدرت خرید، باعث می‌شود که زوجین نگران تأمین نیازهای فرزند خود باشند و از پس هزینه‌های زندگی برنیايند. نفر ۷: «ملاکشون فک می‌کنم این که، شرایط اقتصادی خوبی ندارن یا اینکه از جهت مسکن هنوز مستأجر هستن و این عامل رو به عنوان مانعی برای بچه دار شدن می‌دانند». نفر ۹: «تو شرایط فعلی الان بحث اقتصادی خیلی مهمه، چون الان شرایط جوری شده که روز به روز برای بزرگتر شدن بچه باید پول هزینه کرد، هزینه‌های مربوط به خرید شیر خشک و پوشاک، خرید اسباب بازی، فرستادن به کلاس‌های متنوع که همه اینها هزینه برداره و والدین نسبت به بچه دار شدن سرد می‌کنه».

عوامل جسمی و فیزیولوژیکی زن در تعارض با فرزندآوری

عوامل جسمی و فیزیولوژیکی زن می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری و توانایی فرزندآوری تأثیر بگذارند. این عوامل می‌توانند از سن، وضعیت سلامت عمومی، شرایط خاص پزشکی تا عوامل ژنتیکی و سبک زندگی را شامل شوند. نفر ۲: «یکی از دلایلی که بچه دار نمیشن این که ناباروری زیاد شده به خاطر چیزایی که مصرف می‌کنن، خیلیا دوست دارن و نمی‌تونن بچه دار بشن». نفر ۲۰: «به نظرم سن زوجین خصوصاً زن در بارداری بی‌تأثیر نیست چون شانس بارداری در سنین بالا کم تر و بارداری در سنین بالا جز بارداری پر خطر به حساب میاد و ممکنه حتی نیاز به استراحت مطلق باشه و سختی‌های بیشتری را برای مادر در پی داره که حتی میتونه به مادر آسیب بزنه».

برساخت ذهنیت‌های اجتماعی نسبت به فرزندآوری

ذهنیت‌های اجتماعی نسبت به بچه‌داری، مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و انتظارات هستند که در جامعه نسبت به فرزندآوری و تربیت فرزندان وجود دارد. این ذهنیت‌ها می‌توانند تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، مذهب، اقتصاد، سیاست و رسانه‌ها شکل بگیرند و بر تصمیمات افراد در مورد بچه‌دار شدن یا نشدن، تعداد فرزندان و نحوه تربیت آنها تأثیر بگذارند. نفر ۱: «هیچ کسی از بچه دار شدن و حالا یه زندگی با تعداد نفرات بیشتر بدش نمیاد، ولی خب در درجه اول همه به این فکر می‌کنند که ما شرایطش رو نداریم بچه بزرگ کنیم تو این جامعه، خودمون سختی میکشیم، پس یکی دیگه رو نیاریم در کنار خودمون بدبخت نکنیم». نفر ۹: «خب ببینید، پول و امکانات خیلی خوبه برای بچه آوردن ولی همه چیز نیست، به هر حال بچه وقتی به دنیا میاد، یه سری آیتم‌ها هست برای آیندش باید برنامه ریزی بشه، در حال حاضر کشور ما به سمتی رفته که بچه‌ها آینده‌ای ندارن، وقتی من مادر درس خوندم، در به در دنبال کار

هستم و نمیتونم برای خودم کار پیدا کنم، به این فکر میکنم دو روز دیگه بچه منم ممکنه همین آینده رو داشته باشه، پس چرا بچه دار بشم».

باور به سختی بچه‌داری برای والدین

نگرش‌ها در مورد سختی مادر شدن، بسیار متنوع و پیچیده هستند و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارند. مسئله نگرش درست و غلط نیست، مسئله این است که تجربه‌های فرزندآوری برای هر زنی تلخی‌ها و شیرینی‌هایی دارد که برای دیگران بازگو می‌کند و موجب تصمیم‌های جدیدی برای دیگران می‌شود. نفر ۱۵: «طبیعتاً مادر شدن برام تجربه شیرین و قشنگی بود، تجربه تلخ هم داشتم، چون بچه اولم بود، در واقع تجربه اولم بود با خیلی از مسایل بچه داری، شب بیداری‌هاش، مراقبت‌های ۲۴ ساعته تازه آشنا میشدم، یه مسئله جدیدی بود برام، این یکم برام سنگین و سخت بود اوایلش». نفر ۱۲: «من هم توی بارداریم و هم توی این یک سالی که پسر من به دنیا اومد تجربه‌های خیلی زیادی داشتم هم تجربه‌های شیرین همچون به دنیا اومدن بچم و تجربه‌های تلخ که بچم اوایل کولیک داشت، شب بیداری‌ها، حتی خیلی وقتاً روز هم نمی‌خوابیدم، تو بارداری هم شب‌ها اصلاً نمی‌خوابیدم، بی‌خوابی‌ها اذیتم میکرد چون به کارهام نمی‌تونستم رسیدگی کنم». بازگو کردن این تجربیات برای دختران جوانی که نسبت به آرامش و رفاه و پیشرفت تحصیلی و اجتماعی حساسیت‌های ذهنی دارند می‌تواند موجب کاهش اراده به فرزندآوری شود.

تجربیات شخصی والدین، به ویژه در دوران کودکی و نوجوانی، می‌تواند بر باور آنها به سختی بچه‌داری تأثیر بگذارد. والدینی که در خانواده‌های پرجمعیت و با مشکلات مالی بزرگ شده‌اند، ممکن است بچه‌داری را به عنوان یک چالش بزرگ تر در نظر بگیرند. نفر ۱: «مردم راحت طلبن، راحت طلب از این جهت که دوست ندارن تو سختی‌هایی که خودشون تو بچگی کشیدن، فرزندشونم تو همون سختی‌ها بزرگ بشه، پس ترجیح میدن، خودشون از اون رفاهی که در اون لحظه دارن استفاده نکنن، لذتش رو ببرن تو شرایط جامعه با این وضعیتی که همه می‌بینیم دلیلی نمی‌بینن که یکی دیگه بیاد این سختی‌ها رو بخواد اون تجربه کنه به نظر من». نفر ۱۹: «حتی بزرگترها ما رو سرزنش می‌کنن که چرا به فکر تفریح و خودتون نیستید! چه خبره؟ بچه سوم می‌خواید چیکار کنید! صبح و شبتون رو برا بچه می‌ذارید!»

ج) عوامل اجتماعی تسهیل‌گر فرزندآوری برای زن

عوامل خانوادگی و ارتباطات انسانی

این مضمون نشان می‌دهد که مادر شدن در خلأ رخ نمی‌دهد. زن زمانی راحت‌تر به فرزندآوری فکر می‌کند که احساس کند تنها نیست. به خصوص برای زنان شاغل یا محصل، حمایت مادر بزرگ و خانواده گسترده می‌تواند فشار مراقبتی را کاهش دهد. از نظر اجتماعی، این بخش نشان می‌دهد که با وجود تغییرات مدرن و کوچک شدن خانواده‌ها، هنوز خانواده گسترده نقش مهمی در فرزندآوری دارد. هرچقدر شبکه حمایتی زن قوی‌تر باشد، احتمال پذیرش مادری بیشتر می‌شود. این یافته همچنین نشان می‌دهد که سیاست‌ها یا برنامه‌هایی که فقط بر تشویق فردی زنان تمرکز دارند، کافی نیستند. اگر زن در عمل برای مراقبت از کودک تنها بماند، انگیزه فرزندآوری کاهش می‌یابد. نفر ۱۷: «همه حمایت‌های دولت خوبه، اما بازم خانواده خود آدم نمیشه، من مخالف بودم که بخاطر کار شوهرم به شهر دیگری بریم، چون دیگه برای بچه داری وجود مادر و پدرم و خواهرم مهمه و نمی‌خوام این رو از دست بدم»

حمایت خانواده، به ویژه مادر بزرگ‌ها می‌تواند نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری داشته باشد. افرادی شاغل و محصل هستن اگر که از حمایت کافی خانواده برخوردار باشند، ممکن است احساس امنیت بیشتری برای بچه‌دار شدن

داشته باشند. نفر ۲۰ «خب نگهداری مادر بزرگ از نوه و حمایتش از مادر و بچه خصوصاً برای خانم‌های شاغل می‌تونه روی انگیزشون برای بچه دار شدن تاثیر گذار باشه، چون خیالشون راحت‌تره که یکی هست برای بچه داری کمکشون کنه و یکم از سختی‌ها و ترس‌های بچه داری رو براشون کم میکنه». این حمایت دو بخش ظاهری و روانی دارد، یعنی علاوه بر کمک‌های حضوری و فیزیکی، وجود والدین زنی که مادری می‌کند تکیه گاه اطمینان بخشی است که ترس و دلهره و پریشانی به او راه نیابد.

ارتباطات درونی خانواده بین زوجین

با توجه به اینکه والدین نقش کلیدی در تربیت فرزند دارد، یکی از عواملی که در دوره پیش از تولد و پس از تولد نقش دارد رابطه زوجین با یکدیگر است. نفر ۱۰: «بین زن‌ها، اولین اولویتشون همسراشونن که چه جوری حمایتشون میکنن، چه جوری زیر بال و پرشون میگیرن که بتونن به بچه رو درست تحویل جامعه بدن، زنی که مردش حمایتش نکنه، قطعاً خودش آسیب میبینه، بچه‌ای هم که تحویل جامعه میده آسیب پذیر تر میشه».

این بخش بسیار مهم است، زیرا نشان می‌دهد کیفیت رابطه عاطفی و زناشویی، یکی از پایه‌های تصمیم زن به فرزندآوری است. زن زمانی آمادگی بیشتری برای مادر شدن دارد که در رابطه با همسر احساس امنیت، عشق، احترام و حمایت کند. در اینجا فرزندآوری نه فقط پیامد ازدواج، بلکه پیامد «ازدواج باکیفیت» است. اگر زن احساس کند همسرش همراه، مهربان و مسئولیت‌پذیر است، نگرانی او از سنگینی مادری کاهش می‌یابد. اما اگر احساس تنهایی، بی‌توجهی یا ناامنی عاطفی داشته باشد، فرزندآوری برای او به معنای افزایش بار زندگی خواهد بود. به بیان اجتماعی، مردان و کیفیت مشارکت آنان در خانواده نقش مستقیم در اراده زنان به فرزندآوری دارند. هرچه نقش پدر از نان‌آوری صرف به همراهی عاطفی، مراقبتی و تربیتی گسترش یابد، فرزندآوری برای زن کمتر تهدیدکننده خواهد بود.

عوامل اقتصادی و معیشتی

نبود ثبات اقتصادی و مخصوصاً نبود امنیت شغلی و کاهش مستمر قدرت خرید، ممکن است زوجین را نسبت به بچه دار شدن یا نشدن دچار تردید کند چون داشتن فرزند هزینه‌های مختص به خودش را دارد و سرجمع هزینه‌های خانواده را افزایش می‌دهد. نفر ۹: «تو شرایط فعلی الان بحث اقتصادی خیلی مهمه، چون الان شرایط جوری شده که روز به روز برای بزرگتر شدن بچه باید پول هزینه کرد، فرستادن به کلاس‌های متنوع، خرید اسباب بازی، خرید پوشاک، چون واقعا همیشه این عامل را نادیده گرفت وقتی پول باشه همه چی مهیا باشه خب زن و شوهر هم میتونن نیازهای خودشون و بچه رو تأمین کنن و حالشون خوبه».

مجموعه مصاحبه‌ها نشان می‌دهند که ثبات اقتصادی، پیش‌شرط مهم فرزندآوری است. نکته مهم این است که زنان فقط به درآمد فعلی نگاه نمی‌کنند، بلکه به پایداری درآمد، بیمه، آینده شغلی و امکان تأمین مسکن توجه دارند. در اینجا «امنیت» از «درآمد» مهم‌تر می‌شود. یعنی ممکن است درآمد متوسط اما پایدار، بیش از درآمد نامطمئن، احساس آمادگی برای فرزندآوری ایجاد کند.

د عوامل ارادی زن در فرزندآوری

عوامل فردی

بچه‌داری مسئولیت زیادی دارد بنابراین یک زن به عنوان مادر باید از لحاظ روحی و جسمی خود را آماده کند تا بتواند یک بچه را تربیت کند و مسئولیتش را بپذیرد. نفر ۳: «مهم ترین چیز آرامش هستش چون یک شخص به عنوان مادر باید آرامش کافی را داشته باشد تا یک بچه رو درون خودش پرورش بده و میشه گفت مهم ترین چیز سلامت سمی و روحی مادر هستش که بتونه بچه رو رشد بده نه فقط جسمی بلکه روح و روانش رو». در اینجا مادری صرفاً وظیفه یا اجبار نیست، بلکه می‌تواند بخشی از رشد شخصیت زن باشد. برخی زنان مادر شدن را فرصتی برای بلوغ عاطفی، معنابخشی به زندگی و گسترش احساس مسئولیت می‌دانند. نفر ۶: «دلیل اصلی بضی خانم‌ها این که نمی‌خوان مسیولیت قبول کنند و بی مسیولیت شدن، باید مسئولیت پذیر باشی برای بچه آوردن چون یک عمر باید مادری کنی واسه اون بچه، باید ببینی مسیولیت اینو داری که بتونی قبول کنی نگهداری از بچه رو، اینکه گریه و سختی و شیر دادن و عوض کردن پوشک بچه و... همه اینا رو باید بپذیری و از پشش بریایی».

انگیزه‌های اجتماعی برای فرزندآوری

فرزندان، سرمایه‌های آینده جامعه هستند و تربیت آنها نقش مهمی در شکل‌گیری نسل‌های آینده دارد. والدینی که به فرزندآوری و به تربیت فرزندان خود اهمیت می‌دهند، در واقع به رشد و توسعه جامعه کمک می‌کنند. نفر ۱۵: «حالا چه امکانات مالی و مسکن باشه یا نباشه، من بازم تمایل به فرزندآوری دارم، دلیلش اینه که خب طبیعتاً اگر فرزندآوری کم بشه، جمعیت جوان کشور کم میشه، قالب جامعه افراد پیر و ناتوان میشن، خب جامعه‌ای که بیشتر افرادش پیر و سالمند باشد طبیعتاً برای اداره اون کشور مثلاً دکتر، مهندس، ما مجبوریم از یک کشور دیگه متخصص بیاریم کشور اداره بشه، در این صورت من از کشور بیگانه بخوام متخصص بیارم این شخص در حل مشکلات دلسوز من نخواهد بود، اینطوری که یک هموطن دلسوزی می‌کنه اجانب دلسوز من نیستن».

به صورت واقعی تر آینده اجتماعی خود فرزند هم برای والدین و خصوصاً مادر مهم است. با توجه به تجربه‌ای که معمولاً نسل گذشته از زیاد بودن تعداد نفرات خواهر و برادر داشتند، حمایت گری اجتماعی بود که یکی از انگیزه‌های فرزندآوری برای نسل آینده هم می‌شود. نفر ۱۴: دوست داشتم چون دوست داشتم بچم یک دوست و همبازی داشته باشه و خودم یه دونه فرزند دوست ندارم چون خودمون هفت تا بچه هستیم و خیلی خوبه که آدم خواهر و برادر داشته باشه و بتونه باهاشون درد و دل کنه، رفت و آمد کنه و حامی داشته باشه و در مواقع سختی بتونه یه کمک حال داشته باشه و دلش قرص باشه به بودن برادر یا خواهرش.

نتیجه‌گیری

فرزندآوری سازه‌ای مترادف برای هویت زنانه و مادر شدن است و مادر شدن در طول تاریخ و به طور سنتی برای زنان دارای اهمیت بوده و میل به آن طبیعی و اجتناب ناپذیر است. با این حال در دهه‌های اخیر روندی از بی‌فرزندگی در جهان به ویژه در میان جوامع توسعه یافته ظهور کرده است. بی‌فرزندگی به عدم حضور کودکان در زندگی فرد اشاره دارد. دو نوع اصلی بی‌فرزندگی وجود دارد: ارادی و غیر ارادی؛ بی‌فرزندگی ارادی که به عنوان بی‌فرزندگی انتخابی نیز شناخته می‌شود به تصمیم آگاهانه افراد یا زوجها برای بچه‌دار نشدن به دلایل شخصی اجتماعی محیطی و ... اطلاق می‌شود. از سوی دیگر بی

فرزندى غير ارادى به ناتوانى يا دشوارى افراد يا زوجها در باردار شدن يا به پايان رساندن باردارى به دلايل پزشكى خواه ناشناخته يا غير قابل توضيح اشاره دارد. همچنين دور شدن از جامعه سنتى و تحولات صورت گرفته در جهاني شدن ارزش‌هاى مدرن، رفاه طلبى و اهميت آزادى‌هاى فردى باعث شده مادر شدن پيشنهادهى کمتر جذاب نسبت به گذشته باشد. اين حتى در شهرستان‌هاى چون چالوس هم رو به افزايش است. بنابر اين تغييرات فرهنگى در مقياس جهاني را هم مى‌توان به‌عنوان عوامل بيرونى در تغيير ناخودآگاه اراده زنان به فرزندآورى بحساب آورد.

طبق مصاحبه‌هاى صورت گرفته، عوامل کاهش اراده به فرزندآورى در ميان زنان را در سه دسته مى‌توان برشمرد، بخش اول اين موانع تابع شوهر و اقتصاد خانواده است همچون: تورم اقتصادى و مشكلات معيشتى، ناامنى شغلى و عدم پايدارى درآمد خانواده كه تبعاً بر زن هم تأثيرگذار است. البته بسيارى از نگرانى‌هاى اقتصادى بازتاب جامعه و اخبار رسانه‌اى بر ذهنيت زنان بود نه واقعيتى كه در جريان زندگى زن بروز كند.

اما بخش دوم كه به نظر مى‌رسد مهمترين دغدغه‌هاى ايشان باشد در نگرش‌هاى زنان وابسته به تغيير ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به زندگى است كه اهميت يافتن مديريت بدن چه در نگرانى نسبت به سلامتى و چه جراحى زيبايى براى كسب منزلت اجتماعى نشاندهنده اين تغييرات است. به عبارت ديگر آرامش روانى و جسمى زن تحت تأثير نگرندارى از بچه برهم خورده و بطور معمول بايد منتظر پوكى استخوان و افتادگى بدن در كنار ناراحتى‌هاى در مورد سلامت بچه باشد. همچنين اهميت يافتن اوقات فراغت و لذت از تفريح و خوش گذرانى در كنار اهميت يافتن دستيائى به رفاه براى زنان مهم شده و فرزندآورى مانعى براى آن است، مگر اينكه فرزندآورى خود بخشى از اين رفاه قرار گيرد به اين جهت كه يا نشانى از منزلت اجتماعى براى والدين داشته باشد يا در تفريح ايشان معنادار باشد و سرگرمى مادر را كامل كند. همچنين وقتى زن هدف پيشرفت زندگى خود را در تحصيل و شغل تعريف كرده و بنوعى بازاندیشى در هويت خود را بيش از مادري در مدارج تحصيلات عاليه و كسب پست‌هاى شغلى بالاتر مى‌بيند، آنگاه فرزندآورى مانعى مهم در از دست دادن موقعيت‌ها قلمداد خواهد شد. چمنى و همكاران (۱۳۹۴) هم در كار خود با عنوان كمال طلبى در ميان زنان به همين يافته رسيدند. از طرف ديگر دشوارى مسوليت پذيرى والدين براى بچه دار شدن، نداشتن كمك كار و تسهيلگر براى نگرندارى فرزند دليل مهمى براى کاهش اراده به فرزندآورى براى زنان هست. دقيقاً آنچه كه معمولاً زنان در اوایل ازدواج از كمك مادر و خواهر و خانواده نزديك بهره مى‌بردند بخاطر شكل گيرى زندگى شهرى بزرگ يا اشتغالات مختلف يا دورى مسافت‌ها ديگر امكان حمايت ديگران و بزرگترها از دست مى‌رود، براى همين مسوليت فرزندآورى و حتى تربيت آن براى زوجين و خصوصاً مادر تبديل به يك تابوى بزرگ مى‌شود. ضمن اينكه كاركردهاى ديگر بچه دارى همچون نشاط مادرانگى يا خرج احساسات براى ديگرى، با توجه به معمولى شدن و گسترش نگرندارى حيوانات خانگى همچون سگ و گربه تا حدودى مى‌تواند جبران شود.

بخش سوم يافته‌ها نشان مى‌دهد كه کاهش اراده زنان در مورد فرزندآورى به نگرانى‌هاى مادران در مورد فرزند بر مى‌گردد. ابهام در مورد آينده زندگى فرزندان با توجه به نگرانى‌هاى اقتصادى بر ساخت شده از خانواده و جامعه، ذهن مادرها را درگير كرده و به حساب و كتاب سلامت و آموزش تا ازدواج و امكانات زندگى او مى‌پردازند. حسيني و عباسى شوازی (۱۳۸۸) نيز در پژوهش خود متوجه ايدۀ آلهايى براى فرزندآورى شدند كه به تغييرات در شرايط اقتصادى و ارزش‌هاى اجتماعى ربط دارد. به طور معمول اين مشغله‌هاى فكرى بيشتر براى پدرها بود، اما با ورود زنان به كار و برخوردارى از درآمد مالى، عقلانيت اقتصادى هم بخشى از ويژگى‌هاى زنان در دنياى مدرن شده كه چالش مهمى براى امتداد ارزش‌ها و آموزه‌هاى دينى در مورد توكل به خدا و آرامش روحى نسبت به مشكلات زندگى شده است، چه برسد به اينكه تصميم به فرزندآورى به‌عنوان يك چالش اساسى هم داشته باشند. از طرف ديگر نگرانى در مورد تربيت دينى كودكان هم از دغدغه‌هاى

جدی مادران شده است. با توجه به فراگیری فضای مجازی و رسانه‌های تعاملی، همچنین تغییرات رفتارهای اجتماعی خصوصاً در حجاب و پوشش بعد از حوادث پاییز ۱۴۰۱، نگرانی‌های زنان نسبت به آینده زندگی فرزندان و اخلاق دینی برای فرزندان را بیشتر کرده است.

«اراده زنان به فرزندآوری» نه به‌عنوان یک تصمیم ساده فردی، بلکه به‌عنوان نتیجه تلاقی هشت عامل در سطوح فردی و خانوادگی و اجتماعی است: مسائل فردی و روانی زن، انتظارات از زندگی، رابطه زوجین، وجود خانواده گسترده، پایداری اقتصاد کشور، تجربه زیسته از سختی‌ها، ذهنیت اجتماعی نسبت به مادری و آینده‌نگری نسبت به فرزند. بنابراین مضمون مرکزی پژوهش را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: «فرزندآوری برای زنان، تصمیمی کاملاً فردی نیست؛ بلکه اراده زن در نسبت با آمادگی روانی، امنیت اقتصادی، کیفیت رابطه زناشویی، حمایت خانوادگی، تصویر اجتماعی از مادری و تصور آینده فرزند شکل می‌گیرد یا به تعویق می‌افتد». به این جهت با توجه به یافته‌ها، به هفت واقعیت اجتماعی در ماجرای اراده زنان به فرزندآوری برای سیاستگذاری‌ها باید توجه کرد:

۱. گذار از فرزندآوری طبیعی به فرزندآوری برنامه‌ریزی‌شده: یافته‌ها نشان می‌دهند که فرزندآوری برای زنان از

یک امر طبیعی، بدیهی و پس از ازدواج، به یک تصمیم برنامه‌ریزی‌شده تبدیل شده است. زنان پیش از بچه‌دار شدن درباره اقتصاد، مسکن، رابطه زناشویی، آمادگی روانی، آینده فرزند، سبک زندگی و تفریح، سطح رفاه، مهاجرت، تربیت و حمایت خانوادگی فکر می‌کنند. این یعنی فرزندآوری عقلانی‌تر، محاسباتی‌تر و مشروط‌تر شده است.

۲. افزایش فردیت زنانه در برابر نقش سنتی مادری: بسیاری از کدها نشان می‌دهند که فضای مدرن جامعه سبب

بازاندیشی هویتی برای زنان شده و ایشان خود را فقط در نقش مادر تعریف نمی‌کنند. آنان به تفریح، سفر، رشد فردی، آرامش، تحصیل، شغل، رفاه و تجربه جوانی اهمیت می‌دهند. هرچند به معنای ضدیت با مادری نیست، اما نشان می‌دهد مادری دیگر تنها هویت زنانه نیست که رؤیاهای خاص زنان حول و حوش آن شکل بگیرد. زن می‌خواهد مادر شود، اما نه به قیمت حذف خودش از تفریحات و رفاه و موقعیت‌های رشد فردی و اجتماعی.

۳. پیوند مادر شدن با احساس امنیت: به نظر می‌رسد بین یافته‌ها، امنیت نقش مرکزی دارد. همچون امنیت

اقتصادی، امنیت مسکن، امنیت شغلی، امنیت درمانی، امنیت عاطفی در رابطه با همسر، امنیت تربیتی برای آینده فرزند، امنیت حمایتی از سوی خانواده؛ بنابراین هرچا امنیت بیشتر است، اراده فرزندآوری تقویت می‌شود؛ و هرچا ناامنی بیشتر است، تعویق یا پرهیز از فرزندآوری افزایش می‌یابد.

۴. نگرانی از کیفیت زندگی و آینده فرزند: یکی از یافته‌های مهم این است که زنان فقط به تولد فرزند و لذت

مادرشدن فکر نمی‌کنند، بلکه به کیفیت زندگی او می‌اندیشند. نگرانی از سختی کشیدن فرزند، آینده مبهم، وضعیت اقتصادی، حتی نگرانی از تربیت دینی و اجتماعی او همگی نشان می‌دهند که زنان مادر شدن را مسئولیتی بزرگ می‌دانند که آمادگی‌هایی در نسبت خود و شرایط جامعه برای آن می‌بینند. بنابراین تأخیر در فرزندآوری لزوماً نشانه بی‌میلی به کودک نیست؛ گاهی نشانه حساسیت بالا نسبت به سرنوشت کودک است.

۵. اهمیت شبکه حمایتی از فرزندآوری: مادری وقتی امکان‌پذیرتر می‌شود که زن تنها نباشد. حضور مادر بزرگ،

خانواده گسترده، نزدیکی مسکن خانواده‌ها، حمایت شوهر و اتفاقاً نزدیکی و صمیمیت همسایگان، همگی نقش تسهیل‌گر دارند. این یعنی فرزندآوری یک تصمیم خانوادگی - اجتماعی است، نه صرفاً تصمیمی مربوط به زن؛ در اینجا سیاست‌های اجتماعی شاید اولویت نسبت به سیاست‌های اقتصادی در تقویت اراده زنان پیدا می‌کند.

۶. **برساخت اجتماعی منفی از بچه‌داری:** ذهنیت‌هایی مانند سخت بودن بچه‌داری، امکان برهم ریختگی روابط زن و شوهر، نگرانی از آینده، و محدود شدن زندگی از تفریحات و رفاهیات، نوعی فضای ذهنی بازدارنده ایجاد می‌کند. این ذهنیت ممکن است حتی از واقعیت زندگی افراد قوی‌تر عمل کند. بنابراین در کنار شرایط عینی، باید به روایت‌ها، ترس‌ها، گفت‌وگوهای روزمره و تصویر فرهنگی مادری نیز توجه کرد.

۷. **رابطه زوجین عامل پنهان فرزندآوری:** مصاحبه‌ها به روشنی نشان می‌دهد که تصمیم زن به فرزندآوری به کیفیت رابطه با همسر وابسته است. زن اگر در رابطه احساس عشق، اهمیت، امنیت و حمایت از سوی شوهر کند، راحت‌تر مادر شدن را می‌پذیرد. اما اگر رابطه زناشویی ناپایدار، سرد یا فاقد حمایت باشد، فرزندآوری تهدید تلقی می‌شود. بنابراین یکی از محورهای مهم تحلیل اجتماعی، «کیفیت ازدواج» است، نه فقط «وقوع ازدواج».

بر اساس جدول تحلیل مضمون، اراده زنان به فرزندآوری در میدان کشاکش میان مسائل فردی و بازاندیشی هویت زنانه در دنیای مدرن امروز، میل، ترس، امنیت، مسئولیت و شرایط اجتماعی و اهمیت روابط زوجین شکل می‌گیرد. زنان در مصاحبه‌ها نه کاملاً مخالف فرزندآوری‌اند و نه آن را امری ساده و بدیهی می‌دانند. آنان فرزندآوری را تصمیمی بزرگ، پرمسئولیت و وابسته به آمادگی چندبعدی می‌بینند. بنابراین زنان زمانی به فرزندآوری گرایش پیدا می‌کنند که از نظر روانی آرام، از نظر اقتصادی نسبتاً ایمن، از نظر عاطفی در رابطه‌ای حمایت‌گر، از نظر خانوادگی برخوردار از شبکه کمک، و از نظر اجتماعی امیدوار به آینده فرزند باشند. در مقابل، ناامنی اقتصادی، ترس از سختی مادری، نبود حمایت، تعارض با سبک زندگی جوانی و رفاهیات، تجربه سختی‌های گذشته و ابهام آینده، اراده آنان را برای فرزندآوری تضعیف یا به تأخیر می‌اندازد. همچنین فرزندآوری بیش از آنکه صرفاً تابع میل زیستی یا توصیه‌های فرهنگی باشد، تابع «احساس امکان‌پذیری مادر شدن» است. زن باید احساس کند مادر شدن هم برای خودش قابل تحمل است و مانع پیشرفت اجتماعی او نیست، هم برای فرزند آینده‌اش عادلانه و مطلوب باشد.

Referenc

- Abasi Shavazi, Mohammad Jalal, Fatemeh Torabi, Rasoul Sadeghi, Arefeh Javadinia, 2013, Informal Support and Childbearing Desire in a Context of Low Fertility: A Case Study of the Cities of Noshahr and Chalus, Quarterly Journal of Welfare and Social Development Planning. [In Persian]
- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, Hossein Mahmoudian, Rasoul Sadeghi, Zahra Ghorbani, 1397, The impact of value-attitude orientations on the ideals of childbearing in Iran, Iranian Demographic Letter. [In Persian]
- Alishah, Arezoo, Zhila Ganji, Reza Ali Mohammad Pour, Zahra Kiani, Zohreh Shah Hosseini, 2018, Review The relationship between childbearing motivations and women's reproductive capacity, a correlational study. [In Persian]
- Arabi, Seyed Hadi, Mohammad Hassan Maleki, Hossein Bahrami, 1402, Identifying and Prioritizing Factors Affecting Childbearing in Iran, Strategic Studies of Women. [In Persian]
- Aram, Mohammad Reza and Seyed Mojtaba Azizi, 1402, Analysis of Factors of Population Increase and Decrease Based on the Mixtures of the Quran and Hadith. [In Persian]
- Asodeh, Yashar, 2019, Studying Social, Cultural and Demographic Factors Affecting Childbearing (Case Study: Married Female Education Employees in District 1 of Urmia City). [In Persian]
- Balakhani, Ghader, 1401, Qualitative Study of the Attitude of Youth in Radbil City to Population and Childbearing Policies, Strategic Studies of Women. [In Persian]
- Begi, Milad, Rasoul Sadeghi and Ali Hatami, 2019, Childbearing Desire in Iran: Determinants and Limitations. [In Persian]
- Chamani, Solmaz, Alie Shekrbeigi, Mohammad Moshfegh, 2016, Sociological Determinant Study of Childbearing (Case Study: Married Women in Tehran), Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy. [In Persian]
- Danesh, Parvaneh, Mohammadi, Pish Bahar, 2013, Cultural and social factors affecting the tendency to have children, Quarterly Journal of Police Cultural Studies. [In Persian]
- Dehghan Deh Jamali, Hojjatoleslam Hassan, 1396, Childbearing and population growth from the perspective of the Holy Quran and Ahl al-Bayt, Quarterly Scientific Research Studies of Strategic Knowledge. [In Persian]
- Esfandiar, Hadiseh, Seyyed Mohammad Hossein Hashemian, 2019, The effect of body management on fertility decline, Quarterly Journal of Population. [In Persian]
- Farotan, Yaghoub and Farshad Karami, 2016, Pattern and determination Determinants of Childbearing Desires in Iran, Letter of the Iranian Demographic Association. [In Persian]
- Goulding, Christina. (2005). Grounded theory, ethnography and phenomenology: A comparative analysis of three qualitative strategies for marketing research, European Journal of Marketing , 39 (3), 294 ° 308.
- Heydari, Esmat, Bagher Sarukhani, Afsaneh Idrisi, 1400, Sociological study of the impact of social modernization on women's tendency to have one child: A case study of married women aged 15-49 in Tehran. [In Persian]
- Holloway I, Wheeler S.(۲۰۰۲).Qualitative Research for Nurses, ۲th edition. Oxford:BlackWell Science.
- Hosseini, Beh Zaran, Masoumeh Esmaili, Mohammad Hossein Salarifar, Kiomars Farahbakhsh, 1402, A model of childbearing motivation based on the lived experiences of families with at least one child, Quarterly Scientific Cultural Educational Journal of Women and Family. [In Persian]
- Hosseini, Hatam, Bilal Begi, 2012, Economic, Social, Cultural and Demographic Determinants of Childbearing Intentions of Married Women Referring to Health-Treatment Centers in Hamadan.
- Inglehart, R. (1997). Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies. Princeton University Press.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence. Cambridge University Press.
- Ishaghi Moshani, Sajjad, Salman Ishaghi Moshani and Mohammad Karimi Darcheh, 2012, Childbearing and population growth from the perspective of the verses of the Holy Quran, Quarterly Journal of Population. [In Persian]
- Lesthaeghe, R. (2010). The Unfolding Story of the Second Demographic Transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211–251.
- McDonald, P. (2000). Gender Equity in Theories of Fertility Transition. *Population and Development Review*, 26(3), 427–439.
- Mirhosseini, Zahra, Narges Mojtahedi, 2013, Identifying and understanding women's demands in the field of population policies, Two Quarterly Journals of Socio-Economic Development Studies. [In Persian]
- Mirzaei, Afsaneh, Mansour Sharifi, Ali Pejhan, 2019, Factors affecting the desire to have children among working women in Tehran: Correlates and policy requirements. [In Persian]
- Montezeri, Ali, 2016, Studying the Level of Childbearing Desire and Related Factors from the Perspective of Urban and Rural Iranians. [In Persian]
- Moshfegh, Mahmoud, Mohammad Javad Mahmoudi, Salma Bahmani, 2019, Feeling confident about the stability and durability of married life and its relationship with the desire to have children, Quarterly Journal of Population. [In Persian]

- Notestein, F. W. (1945). Population: The Long View. In T. W. Schultz (Ed.), *Food for the World*. University of Chicago Press.
- Nowrozi, Mojtaba and Gholam Reza Sadeghian Kakhki, 1394, Strategies and Policies of the Holy Quran Encouraging Childbearing , Quarterly Journal of Population. [In Persian]
- Parvinian, Fariba, Valiollah Rostamalizadeh, Reza Habibi, 2018, The Effect of Women's Modern Lifestyle on Childbearing Rate: Case Studies of Qazvin City, Quarterly Journal of Women and Society. [In Persian]
- Rafiei Moghadam, Fatemeh and Ali Fathi Ashtiani, 2019, Discovering Factors Preventing Couples from Having Children in the Recent Decade (Structured Review), Scientific-Cultural-Educational Journal of Women and Family. [In Persian]
- Razavizadeh, Neda, Elaheh Ghaffarian, Ameneh Akhlaqi, 2015, Backgrounds of Low Childbearing Desire and Delay in Childbearing. [In Persian]
- Rezaei, Tooba and Asghar Mohammadi, 2011, Study and analysis of the reasons for women's low desire to have children, Quarterly Journal of Ilam Culture.[In Persian]
- Roshan Shomal, Pegah, Hassan Sarai, Ardeshir Entezari, Mahmoud Mushfegh, 2013 Rethinking the meaning of a child from the perspective of married women (with and without children) living in Tehran, Quarterly Journal of Social Sciences. [In Persian]
- Saghaye Biriya, Mohammad Javad, 2013, Sajjadih's Implications on the Issue of Population Quantity and A View Derived from Them, Scientific _ Research Bi-Quarterly. [In Persian]
- Shams Ghahfarkhi, Farideh, Nadoshan, Zeynab, Rouhani, Abbasi-Shavazi, 2011, At the crossroads of the decision to have children: An analysis of the individual and social challenges of having children in the context of low fertility in Isfahan. [In Persian]
- Shams, Zeinab and Talat Hassani, 1399, Quranic Study of the Perspectives of Muslim Feminists and Western Feminists on Childbearing, Comparative Interpretation Studies. [In Persian]
- Sharif Yazdi, Saeed, Mohammad Reza Jahangirzadeh Qomi, Mohammad Reza Banyani, Masoumeh Soltanipour, 2012, Components of attitudes towards childbearing and parenting based on Islamic sources. [In Persian]
- Soleimani, Maryam, 2014, The issue of childbearing and population growth and its impact on the future of the country
- Sultan Mohammadi, Hossein and Fatemeh Sultan Mohammadi, 1400, Study of the Jurisprudential Principles Governing Childbearing and Proliferation in Shiite Jurisprudence
- Tajbakhsh, Gholamreza, 2019, Studying the contexts and foundations of fertility decline: a qualitative research, Quarterly Journal of Population. [In Persian]
- Tavusi, Mahmoud, Ali Asghar Hairi Mehrizi, Zhila Sadeghi, Mohammad Esmail Motlagh, Mohd Eslami, Fatemeh Naghizadeh, Mehdi Anbari, Akram Hashemi, Ali Montazeri, 2017, Childbearing Desire and Related Factors in Iran: A National Study. [In Persian]
- Torabi, Fatemeh and Reza Shidani, 2019, Study of factors affecting the tendency of women aged 15-49 living in Tehran to have fewer children, Women and Family Studies, Women's Research Institute, Alzahra University. [In Persian]
- Turkian-Valashani, Saheb, Alavijeh, Heydari, Shoostari-Moghaddam, 2019, Childbearing: Pushing and inhibiting factors, Payesh Journal. [In Persian]
- Yaraghi, Sahere, Mohammad Mehdi Kariminia, Mojtaba Ansari Moghadam, 2011, Analysis of the causes of population growth decline with emphasis on explaining the Islamic perspective, Journal of New Achievements in Humanities Studies. [In Persian]

